



پادشاهی عربستان سعودی

نویسنده : روزبه پارساپور

مشخصات کشور عربستان

نام رسمی پادشاهی عربستان سعودی.

تاریخ استقلال از استعمار انگلستان : 1311 شمسی

پایتخت : ریاض

نوع حکومت : سلطنتی مطلقه (دیکتاتوری) با یک مجلس مشورتی

رئیس حکومت و رئیس دولت : ابن سعود در آغاز استقلال و از سال 1982 فهد ابن عبدالعزيز ولیعهد سابق.

نژاد : عرب سعودی % 72.7 و بقیه فیلیپینی، بحرینی، مصری، یمنی، اردنی و...

شهرهای مهم : جده ، مکه ، طائف ، مدینه ، دمام

ریشه نام عربستان

تازیکستان آثار پهلوی و ادبیات گزیده های زاد اسپرم بن دهش اوستا و سایر آثار کهن ایران می باشد. عربستان مانند سایر نامهای ایرانی که املاي آن از حروف فارسی به حروف عربی تب ديل شده، الف اول به ع تبدیل گردیده مانند ایلام که بصورت عیلام نوشته می شود. به این ترتیب عربستان (معرب شده) عربستان است. که از واژه ی ارب احتمالا به معانی مشروحه یزیر و ستان پسوند مکان ساخته شده.

ارب = شعرای قدیم عموماً ارب را به معنی در ظلمات دوزخ یاد می کنند. در نظر شعرای یونان ارب ناحیتی است در زیر زمین که در آن گروهی از اموات مسکن دارند و آن مأوایی است موقتی برزخ و مردگان در آنجا کفاره گناهان خویش دهند، اغلب شعرا ارب را با دوزخ مشتبه کرده اند. در برخی اساطیر یونان ارب به معانی خواب، مرگ، و اوهام نیز آمده است. در فرهنگ دهخدا آمده است: در عربی ارب دارای معانی، محتاج بودن به چیزی سخت شدن زمانه فاسد شدن معده بریده شدن دست را هم میدهد از منتهی الارب ارب = (تهیدست گشتن و محتاج بودن) از ناظم الاطباء.

واژه عرب مأخوذ از زبان پهلوی است به معنی = شتر سیاه تیره رنگ چهره سوخته سیاه که در زبان عرب تبدیل به اربک شده است. با توجه به معانی منتخب ارب در شرح فوق و با توجه به اینکه در روزگاران کهن نام هر سرزمین را با تطبیق شرائط اقلیمی آن انتخاب می کرده اند، انتخاب نام عربستان برای آن صحرای عظیم بی آب و علف و گرمای بی مانند آن نامی مناسب به نظر می رسد که همانطور که قبلاً اشاره شد این نام معرب شده و اکنون بصورت عربستان نوشته می شود.

آشنایی با عربستان

عربستان از آنجاییکه صحرایی سوزان و بی حاصل می باشد در طول تاریخ گذشته کمتر مورد توجه قدرتهای جهان بوده است. ولی با این حال در زمان هخامنشیان و ساسانیان بسیاری از این مناطق به عنوان ساتراپ های (ایالات) ایرانی محسوب میشدند. در نقش رستم ایران، آتشیگاهی است که آرامگاه داریوش بزرگ نیز در آنجاست که حکایت از مالکیت ایران بر عربستان دارد. به شرح زیر می باشد:

«اهورامزدا، خداوند بزرگی است که آبها را آفریده، او این زمین را آفریده، او انسان را آفریده، نیکی و پاکی را برای ایشان آفریده است، و اهورامزدا بشر را آفریده، شادی برای بشر آفرید، داریوش را شاه کرد، یگانه شاه از میان شاهان یگانه، سرور از میان سروران بسیار.

من ، داریوش، شاه بزرگ، شاه جهان، شاه سرزمینهای جهان از هرزمان، شاه این سرزمین فراخ و گسترده، پسر ویشناسب هخامنشی، پارسی فرزند پارسی، با مهر اهورامزدا، اینها هستند ممالکی که من خارج از پارس گرفته‌ام و بر آنها حکم میرانم، مالیاتهای آن به من میرسد و تمامی فرمانهای مرا انجام میدهند و تمامی قوانین من مورد احترام است. آری این است سرزمینهایی که من بر آنها حکم میرانم: ماد، ایلام، پارت، هرات، بلخ، سغد، خوارزم، سیستان، رنج، ثقه‌گوش، قدو، گنداز هند، گپریان، آمیرکی، گپریان، بابل، آشور، عربستان، مصر ارمنستان، کابادوکیه، ساروس، یمن...»

چنانچه از نوشته‌های این کتیبه پیداست، در زمان هخامنشیان، عربستان و یمن و مصر... تحت سیطره ایران بوده است که در روزگار اشکانیان نیز برخی از این کشورها حفظ و برخی از حکومت ایران خارج میشوند ولی در زمان ساسانیان بسیاری دیگر به داخل امپراتوری ایران وارد میشوند مانند بخشی از مصر ، عربستان ، عمان ، یمن ، بحرین و...

عربستان سعودی در حقیقت سرزمینی است بصورت جزیره ای لم یزرع و شنزار شام و کویرهای سوزان و بزرگ، به روم و مصر و روم و فنیقیه بوده و دارای چند شهر کوچک و قدیمی دور از هم که در مسیر راه کاروان رو از ایالت است. نام قدیمی و تاریخی این ریگزار وسیع و سوزان تازیستان بوده که در جنوب غربی ایران قرار دارد و قرنهای پیاپی درتاریخ گذشته جزو مستعمرات ایران بوده است. این کشور نخستین کشور چند قبیله ای است که با سواحل جنوبی خلیج فارس همجوار است . با اینکه حد فاصل ریاض صحرای بزرگ عربستان می باشد و در این کویر خشک اثری از آب و علف و موجودات زنده دیده نمی شد، ولی عوامل انگلیسی استعمار مرزهای شمالی این کشور را تا مرزهای جنوبی خلیج فارس ادامه داده اند که صدور نفت از شاهراه خلیج فارس به تنگه هرمز سهولت پیدا کند .

تاریخ دینی سرزمین عربستان کهن است و به روزگار ابراهیم خلیل ا... پیامبر نخستین دین توحیدی باز می گردد. این سرزمین، تاریخی به درازای تاریخ دیگر سرزمینهای حوزه ی خلیج فارس دارد اما عربستان سعودی کشوری بسیار جدید است و سابقه ی تاریخی و تجربه ی دولت مستقل در آن اندک است (1932م). به نحوی که این سابقه به هیچ وجه

قابل مقایسه با ایران نمی باشد. شبه جزیره ی عربستان سرزمین اصلی اعراب بوده که مردمی از دو نژاد سامی و حامی را دربر می گیرد. وضعیت جغرافیایی این کشور، آنرا در بین خلیج فارس و دریای سرخ محصور نموده که از این بابت دارای مزیت ترانزیت خوبی است. عربستان سعودی با اینکه خود به نوعی زیر چتر قدرتهای استعماری قرار دارد ولی به عنوان برادر بزرگتر همه کشورهای کوچک حاشیه ی جنوبی خلیج فارس، نقش رهبری این کشورها را در شورای همکاری خلیج فارس برعهده دارد به نحوی که در آرایش سیاسی کشورها در حوزه ی خلیج فارس سه مجموعه ی ژئوپلتیکی رقیب شناخته می شوند که عبارتند: از ایران، عراق و مجموعه ی شورای همکاری خلیج فارس به سرمداری عربستان سعودی. الگوی ملت در عربستان سعودی براساس اکثریت قومی عرب (از دو نژاد سامی و حامی)، زبان عربی (سایر زبان ها انگلیسی، اردو، هندی، فارسی) و اکثریت دینی مسلمان (سنی و هابی) و فرهنگ خاص آن شکل گرفته است (میر رضوی، 1383: 206).

در عربستان سعودی تاکنون سرشماری دقیقی نشده است و شاید هم این کار ممکن نباشد⁽¹⁾. تعداد سکنه این کشور را حدود ده میلیون نفر تخمین می زنند که غالباً در صحاری نجد و حجاز و احساء و بیابانهای کشورهای همسایه ییلاق و قشلاق می کنند. مساحت قلمرو سعودیان تقریباً یک میلیون و هفتصد و پنجاه کیلومتر مربع است که بیش از دو سوم آن را ریگزارهای نفود⁽²⁾ و رَّبع الخالی⁽³⁾ و صحراهای لم یزرع و کوهستانهای خشک غیر قابل سکونت فراگرفته است و رودخانه قابل ذکر و باران کافی و رطوبت و بطور کلی آب و هوای مساعد ندارد. بیش از نیمی از سکنه این کشور صحرانشین و دامدارند و زیر چادر به سر می برند و پیوسته در حال کوچکند. قسمتهایی از مرزهای خاکی سعودی هنوز مشخص نشده و به صحاری کشورهای همسایه می پیوندد.

این کشور از شمال به اردن و عراق و از مشرق به دریای سرخ و از جنوب به خلیج عدن و اقیانوس هند و کشورهای یمن و حضرموت و مسقط و عمان و از مشرق به خلیج فارس و دریای عمان و امارات و قطر و بحرین و شارجه (شارقه) و ابوظبی و عجمان و رأس الخیمه و فُجیره و القوین و کویت و عراق منتهی می شود.

عربستان در طول تاریخ و تا دهه سوم قرن بیستم هرگز روی امن و آسایش ندیده و هیچ وقت همه قبایل و اراضی آن، زیر سلطه یک حکومت درنیامده بود. شیوخ عشایر عرب در صدر اسلام و در عهد خلفای اموی و عباسی و خواندگاران عثمانی فقط گاهی به اسم با سلطان و خلیفه بیعت می کردند، اما در عمل به دلیل خوی بدوی بودن هرگز سر به هیچ قانون حتی قوانین اسلام فرو نمی آوردند. نخستین بار که تمامی قبایل عرب زیر سلطه یک حکومت

درآمدند و امن و نظام در صحاری عربستان مستقر گشت و مناطق پراکنده شبیه جزیره به هم پیوست، در عهد دولت عبدالعزیز ابن سعود⁽⁴⁾ در نیم قرن اخیر بود.

امروزه عربستان به استانهایی چون نجد، حجاز، احساء، تهامه، عسیر و نجران... تقسیم می‌شود که علی رغم اختلاف منطقه و اقلیم همه به وسیله حکمران سعودی اداره می‌شود. نجد قلب صحرا و موطن آل سعود و منشأ فرقه وهابی حنبلی است. در شمال نجد، منطقه جبل شَمَر واقع است که در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میدان تاخت و تاز آل رشید بوده است. در جنوب شرقی جبل شَمَر، ناحیه قصیم و وادی ذوالرُمّه و اراضی نجد واقع است. شهرهای عُنَیْزَه و دِرْعِیّه و بُرَیْدَه، موطن آل سعود و منشأ فرقه وهابی در نجد است. شهرستان سُدَیْر و شهر مَجْمَعه در جنوب شرقی قصیم⁽⁵⁾ می‌باشد. آبادیهای نجد عموماً در واحه‌ها و وادیها و شعاب جبال طَوِیْق بنا شده‌اند. ناحیه وَشْم در جنب وادی مَحْمَل و شهر ریاض پایتخت عربستان هر دو در ناحیه عارض واقعند. حجاز را گاهی استان غربی عربستان می‌نامند و شهرهای مکه و مدینه و یَنبُوع و جَدّه و طایف از بلاد حجاز به شمار می‌روند. شهر نظامی جیزان، جازان، در ناحیه عسیر در تهامه و در ساحل دریای سرخ است. آنجا که هشت هزار پا از سط دریا ارتفاع دارد مرکز ناحیه عَسِیر خاص، می‌باشد و شهر تاریخی نجران در مرز یمن واقع است. احساء و قطیف و ظَهْران⁽⁶⁾ و خُبَر و دَمَام در ساحل خلیج فارس قرار دارند و اکثریت سکنه آنها شیعی مذهبند. نفت عربستان از این منطقه استخراج می‌شود و عمدتاً از بندر نفتی «رأس التّوره» و از خلیج فارس صادر می‌گردد. شیعیان این کشور عمدتاً با دولت عربستان مشکل دارند و دولت نیز از شورش‌ها و نفوذ شیعیان در آن بدنه کشور واهمه دارد. گسترش مذهب شیعه میان مردم عربستان به معنی سرنگونی همه دولتهای وهابی سنی و دست نشاندۀ عربی در منطقه می‌باشد از این روی دولت از هیچ اقدامی برای سرکوب شیعیان دریغ نمی‌کند.

شهرها و استانها و اراضی عربستان غالباً به نامهای باستانی یا به اسم عشایری که در آنها ساکنند خوانده می‌شود. این تقسیمات حدود مشخصی ندارند بخصوص که اهالی آنها مرتباً در حال کوچند و نسبت جمعیت این کشور با مساحت آن از پنج نفر در هر میل مربع کمتر است. در این کشور کشاورزی و صنعت عمده‌ای، غیر از نفت، وجود ندارد و فقط یک عُشر از مجموع اراضی آن قابل زراعت می‌باشد ولی به دلیل موقعیت انرژی این کشور در دهه های اخیر مورد توجه استعمار انگلستان و آمریکا قرار گرفته است و با توجه به اینکه عربستان امروزه به یکی از رهبران

اصلی تروریزم بین المللی شناخته شده است ولی به دلیل منابع سرشار نفتی آن هرگز مورد بازخواست مجامع جهانی قرار نمیگیرد!

استعمار انگلیس در جزیره العرب

پایه گذاری کشوری به نام عربستان نیز مانند بسیاری دیگر از کشورهای حوزه خلیج فارس (بحرین - کویت - قطر - امارات و عراق) استعمار انگلستان می باشد و از این روی با اینکه در ظاهر امروزی این کشورها استقلال یافته اند ولی در عمل زیر چتر دولت فخیمه انگلیس و سیاستهای اهریمنی این کشور قرار دارند. سالهای اول قرن بیستم، دوران اوج سیاست استعماری و فعالیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک انگلستان در خاورمیانه و خلیج فارس بود. خطر پیشرفت سریع آلمان در منطقه که تا عراق و خلیج فارس پیش آمده بود و راه هند را به خطر می‌انداخت، دولت انگلیس را بر آن داشت تا از سویی داردانل و باب المندب و سایر تنگه‌ها و معابر و بنادر راه هند را در کنترل خود درآورد و از سوی دیگر قدرت خویش را در خلیج فارس و دریای عمان تثبیت و بی‌رقیب و دولتهای منطقه را فرمانبردار خویش سازد. در همین مسیر «لرد کرزن» نایب‌السلطنه انگلیس (در مستعمرات هند) به سال 1903/1321 به خلیج فارس آمد و شیخ کویت و سایر مشایخ کنار خلیج را تحت الحمایه دولت متبوع خود ساخت و راه‌ریایی خلیج فارس و دریای عمان را بر روی آلمان و سایر دول اروپایی بست⁽⁷⁾.

دولت انگلیس در سال 1904/1322 با شتاب اختلافات خود را با فرانسه و روس رفع کرد و با آن دو دولت، اتحادیه‌ای برای رویارویی با آلمان تشکیل داد. در سال 1907/1325 روس و انگلیس برای بریدن پای آلمان از خاورمیانه و خلیج فارس، طبق معاهده‌ای مناطق نفوذ و فعالیت خود را در ایران و سایر بلاد منطقه قسمت کردند. دولت استعماری انگلیس برای تأسیس پایگاه مطمئنی در منطقه، از طرفی شریف حسین پادشاه حجاز را به وسیله کلنل لورنس فریب داد و به فکر تأسیس دولت متحد اسلامی و اتحاد اسلام و عرب انداخت و از طرف دیگر دفتر اتحاد اسلام «پان اسلامیزم» را در لندن تأسیس نمود و سر رشته ارتباط سران و دولتمردان کشورهای مسلمان را در دست خود گرفت ، همان دفتری که بعدها بیشتر منادیان وحدت اسلام با آن سرو کار پیدا کردند ، بنا به اصل «فَرَّقْ تُسَدِّ = تفرقه بینداز تا در مقام ریاست باقی بمانی» دنیای اسلام را تجزیه و تضعیف کرد و به بهانه‌های ناسیونالیستی که در میان اعراب معنی و مفهومی ندارد، آنها را به جان هم انداخت و دولتمردان مسلمان را زیر بال خود گرفت. بعد هم که آلمان در برابر او سرسختی نشان داد، جنگ جهانی را به راه انداخت که حاصل آن شکست آلمان و عثمانی و روی

کار آمدن دولتهای دست‌نشانده و احزاب نژادپرستی مانند پان عربیسم و تقویت قومیت عربی... و مآلاً سیادت انگلستان بر خاورمیانه عربی بود. خانم گرثورد بل منشی سرپرستی کاکس کمیسر عالی انگلیس در بغداد، ضمن نامه‌ای که به پدرش نوشته سیاست بریتانیا را در خاورمیانه ضمن یک جمله چنین خلاصه کرده است: «پدر، از بس که شاه ساختم خسته شدم»⁽⁸⁾!

مبانی سلطنت آل سعود

در سال 1902/1320 عبدالعزيز بن عبدالرحمان معروف به ابن سعود⁽⁹⁾ و ملقب به شاهین صحرا⁽¹⁰⁾ در بیست سالگی خود با اقدامی اسطوره مانند موفق شد ریاض را تصرف کند و سلطنت قبیله ای عربستان سعودی را بنیان نهد. مبانی دولتی که وی تأسیس کرد، و پیشینه آن به قرن هجدهم میلادی می‌پیوندد، بر شمشیر و محمل حکومت او ترویج مذهب حنبلی وهابی بود⁽¹¹⁾. یک روحانی متعصب نجدی به نام شیخ محمد بن عبدالوهاب در اواسط قرن هجدهم موفق شد تحصیلات سلفی⁽¹²⁾ و نظرات نوظهور خود را در نجد ترویج کند و امیر شهر درعیه را مرید و طرفدار خود سازد. در سال 1744/1157 بین این عالم نجدی و امیر محمد ابن سعود،⁽¹³⁾ امیر درعیه پیمانی بسته شد که به موجب آن، امیر سعودی از سوی خود و اعقاب خویش پشتیبانی و اطاعت از شیخ و اعقاب او و سایر علمای وهابی را بر عهده گرفت و شیخ نیز قبول کرد که خود و اولاد و پیروانش پیوسته راهنما و مدافع و یاور امیر سعودی باشند و تمام نیرو و نفوذ خود را در حمایت از آن خاندان به کار برند. این همان پیمان است که عبدالعزيز و سایر ملوک سعودی و نیز مشایخ آل شیخ پیوسته محترم شمرده‌اند.

ابن عبدالوهاب و فرزندانش تا امروز حامی جدی سلطنت سعودی و عهده‌دار امور شرعی و فرهنگی و قانونی و قضائی بوده‌اند و شاهان سعودی پیوسته فرمان‌پذیر ایشان بوده و به حکم و فتوای شورای دینی وهابی به شاهی می‌رسند یا از سلطنت، چنانکه درباره سعود بن عبدالعزيز عمل شد، خلع می‌گردند. بیشتر مردم عربستان نیز به دلیل آنکه در هیچ زمان از تاریخ با دانش و علم و فنون جهان میانه‌ای نداشتند و از کشورداری دموکراتیک نیز بی بهره بودن اند امروز نیز تحت سلطه یک سیستم کشورداری قبیله‌ای و دیکتاتوری مطلق قرار دارند و منابع سرشار نفتی آنان نیز توسط غرب به یغما می‌رود.

بن مایه ها:

- 1- راهنمای آرامکو. 1960, Netherlands. Aramco Hand book.
- 2- شیخ آقا برزگ طهرانی، الذریعة الى تصانیف الشيعة، 25 جزء، بیروت، 1375 ه. ق.
- 3- ابن بشر، عثمان بن بشر نجدی، عنوان المسجد فی تاریخ نجد، در دو جزء، قاهره، 1349 ه. ق.
- 4- ابن غنام، حسین. روضة الافکار و الأفهام، ریاض 1368 ه. ق.
- 5- احمد سباعی، تاریخ مکه، در دو جزء، جدّه، 1382 ه. ق.
- 6- احمد عبدالغفور عطار، صقر الجزيرة، جدّه، 1384 ه. ق.
- 7- احمد عبدالغفور عطار، محمد بن عبدالوهاب، قاهره، 1376 ه. ق.
- 8- احمد امین، زعماء الأصلح فی العصر الحديث، قاهره، 1948 م.
- 9- امین ریحانی، تاریخ نجد الحديث و ملحقاته، بیروت، 1928 م.
- 10- امین ریحانی، ملوک العرب، در دو جزء، بیروت، 1960 م.
- 11- امین سعید، تاریخ الإستعمار الانجلیزی فی بلاد العرب، قاهره، 1354 ه. ق.
- 12- امین العاملی محسن، اعیان الشيعة، در ده مجلد، بیروت، 1403 ه. ق.
- 13- حافظ وهّبه، جزيرة العرب فی القرن العشرين، قاهره، 1354 ه. ق.